

انترناسیونال چهارم ، ۱۹۴۶ مه ۱۹

بررسی ماه

استالین و ایران

ترجمه : ژاله سهند

---

از انترناسیونال چهارم، مه ۱۹۴۶ ، جلد ۷ ، شماره ۵ ، صفحه ۱۳۲-۱۳۳

رونویسی، ویرایش و فرمت شده توسط تد کرافورد و دیوید والترز Ted Crawford & David Walters در سال ۲۰۰۸ برای ETOL انجام گرفته است.

---

پرتگاهی که رژیم اتحاد جماهیر شوروی تحت لنین و تروتسکی را از حاکمیت بی مهار الیگارشسی ضد انقلابی استالینیستی جدا می سازد، به صورتی گرافیک در مورد ایران، که دست آویزی بدهی را برای کمپین ضد شوروی جنگ طلبان در واشنگتن و وال استریت فراهم آورده است، نمایان می شود. سیاست های استالین در دست امپریالیست ها مورد استفاده قرار گرفته، چرا که این سیاست ها بازگشت به روش ها و شیوه های تزارسم را نمایندگی میکنند.

تزارسم حق تعیین سرنوشت ملتها را زیر پا گذاشت. نیروهای خود را به کار بست و برای امتیازات انحصاری و حقوق ویژه مزیت اتخاذ نمود. یکی از عرصه های اصلی فعالیت های تزاری، پرشیا (ایران) بود. با توافق با انگلیس در سال ۱۹۰۷ این کشور به دو حوزه نفوذ تقسیم گردید: شمال ایران، از جمله تهران، قلمرو تزار گردید؛ یک نوار باریک در امتداد مرکز نوعی حائل را تشکیل داده بود، و بقیه سرزمین نصیب بریتانیای کبیر گشت.

یکی از اولین اقدامات جمهوری جوان شوروی، نمایان نمودن گسست کامل خود از سیاست های تزاری بود. این با انتشار معاهدات پنهانی منعقد شده توسط روسیه تزاری و متحدان امپریالیستی اش، و با رها کردن داوطلبانه غنیمت های جنگی و امتیازات تزاریستی انجام پذیرفت. مورد پرشیا (ایران) توسط بلشویک ها اختصاصا مطرح گردید چرا که بعضی از شنبع ترین چپاولات امپریالیسم روسی در آنجا انجام گردید.

## سیاست بولشویکی در ایران

در شانزدهم ژانویه ۱۹۱۸، روزنامه دولتی ایزوستیا Izvestia متن یک یادداشت رسمی را ارائه نمود، و ابطال تمامی ادعاهای روس در ایران را که ناقض حقوق خودمختاری ایران بودند، را اعلام نمود. از آن پس، اعلام گردید، روابط بین دو کشور "براساس توافق آزاد و احترام متقابل بین ملت ها" بنا خواهد گشت.

یک سال بعد، در بحبوحه جنگ داخلی، اتحاد جماهیر شوروی مجدداً موضع خود را تأیید نمود: "روسیه يك بار دیگر و برای همیشه سیاست های غارتگرانه اتخاذ شده توسط دولت های قبلی روسیه امپریالیستی در قبال ایران را رد می نماید".

در پایان جنگ داخلی، پس از شکست مداخله امپریالیستی و ضدانقلاب داخلی، میسر گردید که این موضع را در یک معاهده، که در ۱۹۲۱ فوریه ۲۶ تصویب گردید، برسمیت شناسد. اعتبار عالی اتحاد جماهیر شوروی در خاور میانه و در میان کشورهای مستعمره در نتیجه این معاهده روسی-پرشین در ابعاد گسترده ای به نتیجه رسید. این امر در میان امپریالیست ها ایجاد پریشانی نمود. با رجوع به آن، سال ها بعد، یک تاریخ شناس آمریکایی، پروفیسور دنیس Dennis، نوشت:

این سند قابل توجه ای است؛ نیمی از آن تبلیغات شوروی ست و نیمه دیگر آن منشور برجسته آزادی های ایرانی است.

بندهایی که پروفیسور به آن به مثابه "تبلیغات اتحاد جماهیر شوروی" رجوع نمود، در حقیقت، بیانیه صریح سیاست خارجی انقلابی دولت کارگری بود. جان کلام آن در دو بند اول محاط شده است. پس از تأیید اظهارنامه های قبلی خود (۱۶ ژانویه ۱۹۱۸ و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹) دولت شوروی بندهای زیر را ضمیمه نمود:

دولت جمهوری فدرال سوسیالیست روسیه، جنایتکارانه تلقی می نماید سیاست دولت تزاری روسیه را که بدون موافقت مردمان آسیا و تحت لفافه ایجاد نمودن اطمینان خاطر برای استقلال این خلق ها، عهد نامه ای را با دیگر دولتهای اروپایی در رابطه با شرق انعقاد کرده است که هدف نهایی اشان تصرف تدریجی اش بوده است.. دولت RSFSR [اسم رسمی اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان] بدون قید و شرط این سیاست جنایتکارانه را نه تنها برای نقض استقلال کشورهای آسیا، بلکه بخاطر منجر شدنش به خشونت سبعانه سازمان یافته سارقان اروپایی بر جسم زنده مردمان مشرق را، مردود می شناسد.

طبق شروط عهد نامه، از آنجاییکه همه "حقوق" تزاری از بین رفته بود پرشیا (ایران) در تصرف تمامی تاسیسات موجود در بنادرش، از جمله کشتی هایش در آمد. دولت اتحاد جماهیر شوروی نه تنها کلیه راهها و راه آهن را بلکه خطوط تلگراف و تلفن را که توسط تزار احداث و محافظت می شد را به ایران منتقل نمود. آنچه باعث بزرگترین سایش دندان در میان سرمایه داران انحصاری در سراسر جهان گردید، انتقال بیدرنگ بانک پرشیا متعلق به روسیه به مقامات بومی و باطل نمودن همه وام های تزاری بود.

به نوبه خود، دولت ایران متعهد گردید که "اموال و تاسیساتی را که تحت این معاهده [به دولت ایران] واگذار خواهد شد را در اختیار هیچ قدرت سوم و یا شهروندان آن برای تملک یا استفاده قرار ندهد و همه حقوق مربوطه را در جهت منافع مردم ایران محفوظ نگاهدارد".

این عهدنامه نه تنها توسط لنین و تروتسکی، بلکه همچنین توسط استالین که در آن زمان پست کمیسر ملت ها را بعهده داشت، تأیید گردید. این عهد نلمه متعاقباً به مثابه الگویی برای توافق با سایر کشورها (ترکیه، چین و غیره) بکار بسته شد.

### لنین و تروتسکی در مقابل استالین

بدینگونه همان سیاستی که "بدون قید و شرط مردود گشته بود" و در روزهای لنین به مثابه جنابیتی تلقی می شد، هم اکنون تحت رژیم استالین مبدل به عرف گشته است.

اگر تند و تیز ترین دشمن اتحاد جماهیر شوروی برای دور نمودن مردمان خاورمیانه و مستعمرات از آن در صدد ابداع راهی مؤثر برآید، او نمی توانست مسیری مؤثرتر از آنچه که در مورد ایران، توسط کرملین، تحت استالین، دنبال می شود، را ابداع نماید.

Fourth International, May 1946

Review of the Month

Stalin and Iran

From Fourth International, May 1946, Vol.7 No.5, pp.132-133.

Transcribed, edited & formatted by Ted Crawford & David Walters in 2008 for ETOL.

<https://www.marxists.org/history/etol/newspape/fi/vol07/no05/iran.htm>